

فداوند برای مرد همسری قرار داد تا به او آزاد گیرد.

مدیریت

غایزه جنسی

حسین احمدی‌سی

شایان ذکر است که آنچه خدمتمن عرضه شده است تنها به مقدمه و فصل اول و دوم این فصول اشاره شده است که در صورت چاپ و استقبال خوانندگان فصل‌های دیگر این مقال نیز عرضه خواهد شد.

تذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که حقیر مطالب این بحث را در چند محفل علمی از جمله برای برخی از برادران زردتشتی، جمعی از شاگردان اروپایی و در چند دانشگاه کشور مطرح کرده‌ام که مورد استقبال غیر منظره‌ای قرار گرفته است.

«طایله»

زندگی چیزی جز تامین نیاز نیست و انسان هم به عنوان یک موجود زنده چاره‌ای جز فراهم کردن نیازهایش ندارد؛ البته بعضی از نیازها همچون اکسیژن به گونه‌ای است که اگر چند لحظه تامین نشود زندگی موجودات زنده به مخاطره خواهد افتاد. بعضی از نیازها نیز همچون آب و غذا اگر مدت طولانی تری سلب شوند زندگی به مردگی می‌گراید و به همین خاطر بیش از دیر زمان لحظه‌ای دست از تلاش و کوشش جهت تامین نیازهایش نکشیده و نخواهد کشید.

هرچند طبیعت زیاده خواهی با حسن جاودانه طلبی انسان او را به انحصار طلبی و در نتیجه به سوی تعذر و تجاوز به منافع دیگران سوق داده است؛ لذا بشر یک نیاز دیگری هم پیدا کرده بنام "امنیت" که در طول تاریخ مورد تعریض قرار گرفته است و اکنون هم یکی از معضلات بشر امروزی مستله امنیت اوست که خود حدیث مفصلی دارد.

ولی نیازهای انسان همیشه از جنس مادی نمی‌باشد؛ بلکه بشر نیازهای دیگری نیز دارد، مانند: نیاز به معبودی که او را پرسش کند یا نیاز به کسی که او را دوست داشته باشد، و کسی که او را دوست داشته باشد.

اگر کسی به آنچه او را کفایت کند قناعت نکند هرگز بی نیاز نمی‌باشد.



به مردان با ایمان بگو هشمان خود را هرو بندند و فیده نکنند.



در سفن گفتن با ناز و گرشه سفن نگوئید تا بیمار دلان به شما طمع نگلند.



